

101

79



101

79



بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میسکنم بنام خدا
نام حق بر زبان نامی رانم
ملک صانع قدیم حکیم
هر چه هست از بندگیستی
طاعت اوست فرض عین بند

کز دو حرف آفریدارض و سما
که بجان دلش نامی خواهم
خالق رازق رؤف رحیم
همه زویافت صورتیستی
بر همه خلق همچو دین شده

او شریعت بیان کنده
صلوات خدای بروی باد
امت او دو ستار رویم
چون ابو بکر عمر و عثمان
رحمت حق نثار بارش

او طریقت عیان کنده
تا بروز جزا سپیدی باد
دو ستار چهار یار رویم
مر تفضی ان علیهم الرضوان
باد بر جمله دو ستارش

آغاز کتاب مستطاب اعتذار از جاہل مصنف

ای مصلی بی طهارت کن
چون بیاری طهارت ظاهر
آن طهارت که قسم جسم آمد
تن بغسل و وضو چو پاک کنی
سبح این هر سه نفع را گویم
در طهارت فریضه و سنت
بس میان نماز روزه کنم
کمیدست نماز باید کرد
وز محشر که جانکدار بود
بس مکن در نماز با تقصیر

خانه دین خود عمارت کن
باطنت نیز حق کند ظاهر
ظاہریت همه سه قسم آمد
آب اگر نیت قصد خاک کنی
زانکه چو کان سیرع را گویم
بر تو خواهم روان مثبت
توشه عمر پنج روزه کنم
دل مقام نیاز باید کرد
اولین پرسش از نماز بود
تا در آن روز باشد تو غیر